

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

HAARETZ

پایان اعتبار نتانیاہو نزد ترامپ؟

سفر بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل به ایالات متحده برای دیدار با رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در مارالاگوی فلوریدا، اولین سفر او به آمریکا پس از توافق آتش‌بس در غزه خواهد بود، در شرایطی که اصطلاح بین اسرائیل و آمریکا بر سر مرحله بعدی نقشه آتش‌بس، بالا گرفته است. اسرائیل از قلمرو ویران غزه و استقرار نیروی ثبات‌آفرین بین‌المللی باشد. اما غزه تنها موضوع در دستور کار نخواهد بود. ای‌بی‌سی‌نیوز، به نقل از منابع بدون ذکر نام در آمریکا گزارش داده که انتظار می‌رود، نتانیاہو برنامه‌ای برای حمله‌ای دیگر به ایران به رئیس‌جمهور ترامپ پیشنهاد کند. چندین ماه است که تحلیلگران اسرائیلی هشدار می‌دهند ایران به سرعت در حال تولید تعداد بالای موشک است. اسرائیل که زمانی بیشتر روی برنامه هسته‌ای ایران تمرکز داشت، حالا به سمت ظرفیت‌های موشکی ایران چرخیده است. چنان که رئیس‌جمهور ترامپ در سخنرانی ماه اکتبرش در کنست اسرائیل به نتانیاہو یادآوری کرد، نخست‌وزیر اسرائیل بسیاری از آنچه می‌خواستہ را گرفته است. آمریکا از حمله اسرائیل به ایران حمایت کرد و سپس به آن پیوست. دولت ترامپ، محدودیت‌های نسبتاً جزئی دولت بایدن برای کمک نظامی به اسرائیل را برداشت و به تأمین مهمات و تسلیحات ادامه داد، در حالی که اسرائیل بحران انسانی غزه را عمیق‌تر کرد. حتی توافق آتش‌بس هم که نتانیاہو تلاش کرد مانعش شود، همه گروگان‌های زنده اسرائیل را برگرداند، بدون اینکه خروج اسرائیل را الزامی کند. امانت‌ناہو نمی‌تواند هر چه می‌خواهد بگیرد. سؤال این است که آیا او همین حالا هم از خط اعتبارش نزد دولت ترامپ رد شده یا هنوز اعتباری برای خرج کردن هست. دولت ترامپ به نظر مشتاق است مر حله بعدی را پیش ببرد. جمعه گذشته، استیو ویتکاف، نماینده ویژه دولت آمریکا با مقامات قطر، ترکیه و مصر برای بحث درباره توافق غزه و برای رسیدگی به کلافگی‌شان از دست حماس و اسرائیل، دیدار کرد. خود ترامپ، صراحتاً به نتانیاہو هشدار داده که آتش‌بس را خراب نکند. به نظر می‌رسد در زمینه غزه نتانیاہو جای مانور چندانی ندارد که ششم ترامپ را برنیشاند. وقتی موضوع ایران باشد، کار نتانیاہو برای دفاع از موضعش، از این هم سخت‌تر است. پایگاه ترامپ در جریان «ماگا» به مشارکت ایالات متحده در جنگ اسرائیل با ایران، با پر خاش شدیدواکنش نشان داد. این تابه‌تاز از این بود که حزب جمهوری خواه به ورطه درگیری داخلی تندی بر سر رابطه‌اش با اسرائیل خطوط قرمز در پھودستیزی بیفتند. حالا، در آستانه شروع انتخابات میان‌دوره‌ای در آمریکا، حمایت آمریکا از حمله دوم اسرائیل به ایران، برای حزب رئیس‌جمهور زہراگین خواهد بود؛ حزبی که همین حالا هم در نظرسنجی‌ها به تقلا افتاده است. این کار حتی ممکن است در میان اعضای متعصب و دواتشه‌ماگا هم یک طغیان تمام‌عیار ایجاد کند. این گروه زمانی رهبری پرشوری در ترامپ می‌دیدند، اما او حالا در حال پیر شدن است و مشخصاً سرزندگی کمتری دارد. این طرفداران تند حالا در جست‌وجوی آن رهبری بیشتر و بیشتر به تار کارلسون، نیک فونتنسین، نئوژاوی و کندس ونز نگاہ می‌کنند. فعلاً نشانه چندانی از این نیست که ترامپ پذیرای آزرگیری اقدام نظامی در ایران باشد. دولت ترامپ اخیراً اسند راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۵ را منتشر کرد که اعلام می‌کند «خوشختنه»، روزهایی که خارج‌میان‌در سیاست خارجی آمریکا، هم در برنامه‌ریزی بلندمدت و هم در اجرای روزمره، حضور غالب داشت، تمام شده است.» حمایت از حملات بیشتر از سوی اسرائیل، ترامپ را در موضع تناقض با راهبرد اعلام‌شده دولتش قرار می‌دهد. با این حال، رئیس‌جمهور ترامپ به پیش‌بینی ناپذیری بدنام است و این احتمالاً درباره ترامپی که دیگر انتخاباتی پیش رو ندارد، بیشتر صادق است. او در کارزارش وعده پایان جنگ‌ها را داده بود نه آغازشان، اما اخیراً به سمت رویکردی بسیار جنگ‌طلبانه‌تر مایل شده است، نه فقط با بمباران ایران بلکه با حمله به قایق‌ها در دریای کارائیب، تهدید ونزوئلا و هفته گذشته، بمباران باقیمانده‌های داعش در سوریه. بسیار محتمل است که نتانیاہو امیدوار باشد، عطش ترامپ برای اعمال روزمندانہ قدرت آمریکا بر گرایش‌اتزوطلبانہ‌اش چرچد. یا شاید با مطرح کردن چشم‌انداز حمله دیگری به ایران، امیدوار است درباره غزه توافق بهتری حاصل کند. در هر حال، نتانیاہویی که روزبه‌روز به خود مغرورتر می‌شود، در معرض این خطر است که بیش از اعتبارش هزینه کند.

راست‌ناپ بولکه، رئیس‌جمهور اسلاوادرز، خاورمیله، رئیس‌جمهور آرتاتین و خزوز آتونیو کاست، رئیس‌جمهور منتخب شیلی

دیپلماسی

DIPLOMACY



انقلاب راست‌گرایانه آمریکای لاتین

در عصر ترامپ، چه نیروهایی به این منطقه شکل می‌دهند

رویکرد حمایتی‌تری دارد، کمتر نگران تغییرات اقلیمی و جنگل‌زدایی است و در مجموع با دولت ترامپ روی اولویت‌هایی مثل مهاجرت و محدودکردن حضور چین در نیم کره غربی، هماهنگ است. با توجه به تاریخ مداخلات ایالات متحده در آمریکای لاتین، شاید انتظار این می‌رفت که ظهور رئیس‌جمهوری زورمدار، ملی‌گرا و راست‌گرا در ایالات متحده، رانه مقاومتی چپ‌گرایانه در این منطقه شود؛ اما لاقابل‌فعال‌رهبرانی که در آمریکای لاتین، بیشترین سود را از بازگشت ترامپ برده‌اند، آن‌هایی نیستند که او را محکوم می‌کنند و در مقابل او می‌ایستند، بلکه آنانی هستند که تحسین و تملق او را می‌گویند و حتی از او تقلید می‌کنند.

در مسیر راست

به نظر نمی‌رسد این حرکت به راست، صرفاً حرکت آونگی جزئی، کوتاه‌مدت و چرخشی در سیاست منطقه باشد. نگاه دقیق به نظرسنجی‌ها و دیگر روندهای زیربنایی حاکی از این است که ایده‌ها و اولویت‌های سیاست‌گذارانه محافظه‌کارانه در آمریکای لاتین در حال جا بازکردن هستند. مرکز نظرسنجی منطقه‌ای «لاتینوبارومترو»، مستقر در شیلی، نظرسنجی سالانه‌ای در ۱۸ کشور دارد که به‌دقت زیر نظر است. این نظرسنجی گزارش داد که در سال ۲۰۲۴، جمعیت آنانی که خود را راست‌گرا معرفی می‌کنند، به بالاترین سطح در بیش از دو دهه رسیده است. همین نظرسنجی نشان داد، بولکه با فاصله محبوب‌ترین سیاستمدار در سراسر منطقه است، با امتیاز میانگین ۷۷٪ از ۱۰، نامحبوب‌ترین نیز، باز هم با فاصله، نیکولاس مادورو، دیکتاتور سوسیالیست ونزوئلا بود، با فقط ۱/۳. بیشتر دلائل استیلای راست، ناشی از عوامل خارجی نیستند، بلکه از واقعیت‌های در حال تغییری از درون آمریکای لاتین می‌آیند. در صدر فهرست، کلافگی فزاینده مردم از جرم و جنایت است که چالش تازه‌ای هم در منطقه نیست، اما در سال‌های اخیر، به میزان قابل توجهی بدتر شده است. طبق تخمین‌های سازمان ملل متحد، کواکائین تولیدشده در آمریکای لاتین، در دهه گذشته سه‌برابر شده است. این ثروت و قدرت بی‌سابقه‌ای به باند‌ها و کارتل‌های منطقه داده و آتش خشونت مربوط به مواد مخدر را شعله‌ورتر کرده است. آمریکای لاتین، ۸ درصد جمعیت جهان را دارد، اما ۳۰ درصد از قتل‌های جهان در آن جاست. در چندین کشور که سال آینده انتخابات دارند، شامل برزیل و پرو، جرم و جنایت بالاترین دغدغه رأی‌دهندگان در نظرسنجی‌ها بوده است؛ به عنوان موضوعی که به شکل سنتی به نفع حمایت از راست‌گرایان بوده است.

عامل کلیدی دیگر، گسترش مسیحیت تیشیری در آمریکای لاتینی است که به شکل سنتی کاتولیک بوده است. این سیاست را در چندین منطقه تغییر داده و مسائل مربوط به درگیری‌های فرهنگی، از قبیل سقط جنین و «ایدئولوژی جنسیتی» را پیش از بقیه مسائل قرار داده است؛ قابل توجه‌تر از همه در برزیل. فروپاشی اقتصادی واجتماعی چشمگیر و چندین ساله در ونزوئلا و کوبا، اعتبار سیاست‌های سوسیالیستی را در ذهن نسلی از رأی‌دهندگان تخریب کرده و حتی محبوبیت برخی از نامزدهای چپ میانه را هم که به‌هر

بریتانیا؛ جیورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا و بسیاری دیگر در میان راست‌گرایان اروپا قرار گرفته است. این ماجرا او را به نوعی مرشد برای غول‌های لیبرتارین سیلیکون ولی آمریکا، از قبیل ایلان ماسک هم تبدیل کرده است. ماسک در نشست محافظه‌کاران آمریکا در ماه فوریه، اهر برقی میلی را با خود روی سن برد. در همین حین، سرکوب باند‌های خلافکاران از سوی بولکه هم او را به چهره‌ای بسیار محبوب در گستره وسیعی از آمریکای لاتین و فراتر از آن تبدیل کرده است؛ با وجود این که او بدون تعارف به دغدغه‌ها درباره روال قانونی و حقوق بشر در این روند بی‌انتخابی می‌کند. حدود ۸۱ درصد از شیلیایی‌ها در یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۴، به بولکه امتیاز مثبت دادند؛ بالاتر از هر رهبر دیگری در جهان و بیش از دوبرابر رئیس‌جمهور خودشان. بولکه در تیک‌تاک بیش از ۱۱ میلیون دنبال‌کننده دارد؛ بیشتر از هر رئیس‌حکومت دیگری به جز ترامپ.

شور انقلابی واقعی در آمریکای لاتین امروز، با حضور رهبرانی که مصمم باشند نه فقط کشور خود بلکه منطقه را متحول کنند، عمدتاً در جناح راست ایدئولوژیک دیده می‌شود. رهبران محافظه‌کار اخیراً چندین انتخابات را برده‌اند و در چند انتخابات دیگر در سال آینده هم گزینه پیشتاز هستند. در این شرایط، به نظر می‌رسد آمریکای لاتین مہبای تغییری تاریخی است؛ در ابعادی که در هر نسل سیاسی یک بار ممکن است رخ دهد. این روند، نحوه مواجهه این کشورها با جرائم سازمان‌یافته، سیاست‌های اقتصادی، رابطه راهبردی خود با ایالات متحده و چین و مسائل دیگر را تغییری بنیادین خواهد داد. در سال ۲۰۲۵، دنیل نوبوا، رئیس‌جمهور محافظه‌کار اکوادور، مجدداً انتخاب شد. حزب میلی هم در انتخابات کلیدی و میان‌دوره پارلمان آرژانتین، با فاصله‌ای فراتر از انتظارات، برنده شد تا شایبی حتی بیش از پیش به دستور کارش داده شود. بولیوی، با انتخاب رودریگو پاز پریرا، یک اصلاح‌طلب میانه‌رو، شاهد پایان دورانی تقریباً ۲۰ ساله از حاکمیت سوسیالیستی بود. محافظه‌کاران مشتاق کرسی ریاست‌جمهوری در کاستاریکا و پرو پیشتاز نظرسنجی‌ها هستند و در برزیل و کلمبیا، در انتخاباتی که بنیاست در سال ۲۰۲۶، نتایج‌شان مشخص شود، در فاصله‌ای نزدیک پشت سر قیای خود هستند.

آمریکای لاتین، متشکل از ۲۰ کشور است؛ با پویه‌شناسی‌های سیاسی و تواریخی متمایز. ممکن است در نهایت جریان راست در همه این نمونه‌ها پیروز از کار درنیايد؛ اما لحظات دیگری هم در تاریخ بوده‌اند که در آن‌ها، منطقه کوبویش همگام حرکت کرده است: دیکتاتوری‌های ارتجاعی که پس از انقلاب کوبا، بیشتر منطقه را در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در نورددند، موج بازگشت به دموکراسی در دهه ۱۹۸۰، اصلاحات بازارگرایانه «اجماع واشنگتن» در دهه ۱۹۹۰ و روند موسوم به «موج صوری» که چاوز و دیگر چپ‌گرایان را در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۲۰ به قدرت رساند. امروزه به نظر می‌رسد یک موج تجدید آرایش منطقه‌ای دیگر در حال شکل‌گیری است که بعضی از فرضیات پایه‌ای باقی دنیا در باره آمریکای لاتین را به چالش می‌کشد. نتیجه در سالیان پیش رو، منطقه‌ای خواهد بود که در زمینه قاچاق مواد مخدر و دیگر جرائم، سیاست‌های تهاجمی‌تر رای می‌گیرد، نسبت به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

FOREIGN AFFAIRS

نگاه دقیق به
نظرسنجی‌ها و دیگر
روندهای زیربنایی
حاکی از این است که
ایده‌ها و اولویت‌های
سیاست‌گذارانه
محافظه‌کارانه در
آمریکای لاتین در حال
جا بازکردن هستند.
مرکز نظرسنجی
منطقه‌ای «لاتینو
بارومترو»، مستقر در
شیلی، نظرسنجی
سالانه‌ای در ۱۸
کشور دارد که به‌دقت
زیر نظر است. این
نظرسنجی گزارش داد
که در سال ۲۰۲۴،
جمعیت آنانی که خود
را راست‌گرا معرفی
می‌کنند، به بالاترین
سطح در بیش از دو
دهه رسیده است



برایان وینتر

سرمدیر فصلنامه قاره آمریکا
(امریکاگر کوارتری)

عملاً از لحظه‌ای که در سال ۱۹۹۹ به همراه دسته شورشیان ریشویش به سمت هاوانا رانند، تا سال ۲۰۱۶، هنگام مرگ به دلائل طبیعی، شاخص‌ترین رهبر در آمریکای لاتین، همان فیدل کاسترو بود. کاسترو، با لباس‌های نظامی که بخشی از شخصیت آشنای او شده بود، سیگارهای برگ قلمی کوهبیا و ماران‌های سخنرانی‌اش که در آن‌ها عمو سام را ششور می‌نمایاند، ذهن انقلابیون و شبه‌نظامیان دیگر در سراسر جهان را به تسخیر خود درآورد. او هرگز به این راضی نبود که فقط بر کوبا حکمرانی کند و تلاشی خستگی‌ناپذیر داشت که ایده‌هایش را صادر کند. در طول دهه‌ها، شبکه جهانی متحدان و طرفدارانش، رشد کرد و شامل رهبرانی متنوع شد، از قبیل سالوادور آلنده در شیلی، هوگو چاوز در ونزوئلا، رابرت موگابه در زیمبابوه و یاسر عرفات، رئیس‌سازمان آزادی‌بخش فلسطین. «ال کوماندانته» [به معنای فرمانده با «ال» به عنوان حرف تعریف معرفه‌ساز. این عنوان به این شکل یعنی اوست که فرمانده است و وقتی بدون هیچ کلمه دیگری، فرمانده می‌گوییم، داریم از او حرف می‌زنیم.] امروز در گور می‌لرید اگر می‌فهمید امروز دو چهره آمریکای لاتین که به وجهه جهانی او از همه نزدیک‌تر شده‌اند، هر دو از ایدئولوژی راست‌گرایانه می‌آیند. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین که خود را «اناکوپیتالیست» می‌خواند، اره برقی به دست گرفته تا نماد حمیت او در کوتاه‌کردن ابعاد دولت باشد و نایب بولکه، رهبران ریشوی سالوادور و متعلق به نسل هزاره‌ای، هواداران دواتشه‌ای در کشور خود و خارج از آن جمع کرده‌اند. به جای شعار شایع انقلابی کوبا، «هاستا ولا ویکتوریا سیمپره!» یا «تا پیروزی نهایی!»، حالا شعار آزادی‌بخش میلی، «ویسوا لا لیبرتاد، کاراخو» یا «زنده‌باد آزادی، لعنتی» است که در برخی فضاهای دانشجویی در آمریکا روی تی‌شرت‌ها ظاهر شده و تا اسرائیل هم سیاستمداران آن رانقل می‌کنند، مثل کاسترو در زمان خودش، هر دوی این رهبرها دارند خیلی فراتر از وزن کشور خود در صحنه جهانی ظاهر می‌شوند. میلی اولین رئیس‌حکومتی بود که پس از انتخاب [دوباره] دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۲۴ با او دیدار کرد و استقبال باشکوهی در تفرجگاه مارالاگوی ترامپ دریافت کرد. ترامپ میلی را «رئیس‌جمهور محبوب من» خوانده و در ماه اکتبر، بسته‌نجات مالی ۲۰ میلیارد دلاری به آرژانتین فرستاد. این بزرگترین بسته‌نجات این چنینی در سی سال اخیر است که ایالات متحده برای کشوری فرستاده است. موفقیت میلی در کوچک‌کردن بوروکراسی دولتی و کم‌کردن کاغذبازی‌های اداری، کمک کرد تورم در آرژانتین از ۲۰۰ درصد زمان بر مسندنشستن او در سال ۲۰۲۳، به ۳۰ درصد در اواخر سال ۲۰۲۵ برسد. کار او به عنوان الگویی مورد تمجید «کمکی بیدنگ»، رهبر حزب محافظه‌کار